



پروژه مدیریت چندمنظوره جنگل های هیرکانی

جوامع توانمند، محلی های پدیدار، میراث جهانی

درس آموخته های فرآیند بسیج جوامع محله در پروژه مدیریت چندمنظوره جنگل های هیرکانی





پروژه مدیریت چند منظوره جنگل های هیرکانی

جوامع توانمند، جنگل های پایدار، میراث جهانی

درس آموخته های فرآیند بسیج جوامع محلی در پروژه مدیریت چند منظوره جنگل های هیرکانی



پیشگفتار

بسیج جوامع محلی یعنی تسهیل مشارکت مردم در روستاهای هدف با این نگاه که به تدریج بتوانند برای حوزه آبخیز یا منطقه مورد نظر (جنگل های پیرامون روستا) وارد برنامه ریزی مشارکتی شده، به صورتی که بتوانند با هم و در یک روند تعاملی با دستگاه های مربوطه در سطح شهرستان به مدیریت پایدار آن منطقه کمک کنند. بسیج جوامع محلی به عنوان یک فعالیت در پروژه مدیریت چندمنظوره جنگل های هیرکانی از اردیبهشت ۱۳۹۳ توسط تیم بسیج جوامع محلی آغاز شد. آنچه در صفحات بعد می آید، مروری است بر درس های آموخته این فعالیت و گروه های محلی که به واسطه فعالیت تیم مشاور بسیج جوامع محلی در روستاهای هدف در چهار پایلوت پروژه به تدریج شکل گرفتند، مشخصات این پایلوت ها به شرح پیوست یک می باشد.

در طی سال های ۹۴ تا ۹۷ گروه های محلی متعددی شکل گرفتند از جمله دو گروه در پایلوت فریرود- زیلکی رود از میان جوانان فعال، شش گروه در پایلوت چهلچای که به تدریج سه گروه از میان آنها باقی ماندند. در پایلوت بلیران، شرکت تعاونی دامداران شکل گرفت و در عین حال در روستای بلیران نیز، گروه بانوان شوار فعال گردید. در پایلوت دو هزار و سه هزار نیز، شرکت تعاونی توسعه روستای یوج ثبت و فعال گردید. فعالیت های مختلفی اعم از فعالیت های گروه سازی در هر چهار پایلوت، کمک به تولید صنایع دستی در پایلوت های بلیران و چهلچای، اجرای طرح تولید برنج سالم در پایلوت گیلان، فعالیت های گردشگری در هر چهار پایلوت پروژه و نیز مجموعه ای از فعالیت های آموزشی، شکل گیری صندوق های محلی، کمک به فرآیند تهیه طرح جنگلداری در پایلوت های دو هزار و سه هزار و نیز بلیران، شکل گیری یک صندوق در چارچوب کارگروه جنگل تشکل های غیردولتی تنکابن و مجموعه ای از فعالیت های توان افزایی در سطح محلی برنامه ریزی و به تدریج اجرا گردید. آنچه در صفحات بعدی این مجموعه می آید درس های آموخته ای است که به تدریج در جریان فعالیت های بسیج جوامع محلی حاصل شده است. این درس ها در دو بخش

طبقه بندی و ارائه می شوند. بخش اول، درس های آموخته بسیج جوامع محلی پروژه و بخش دوم، درس های آموخته اعضای گروه های محلی هر چهار پایلوت است. در متن این کتاب اشاره نشده که کدام درس دقیقاً به چه کسی تعلق دارد اما هر جا احساس شده که آن درس عمومیت ندارد، تلاش شده تا به مکان یا کسی که آن را بیان کرده است، اشاره شود. شایسته است از آقای دکتر سعید نوری نشاط که مدبرانه تیم بسیج جوامع محلی را هدایت نمودند و آقایان مهدی الماسی، جواد یعقوب زاده، محمد غفاری، بهزاد سواری و خانم ها بهشید برخوردار، آزاده کریم پور و ناهید الماسی اعضای محترم تیم بسیج جوامع محلی که این مجموعه را گردآوری و تدوین نموده اند، قدردانی نمایم. هم چنین لازم است از خانم ها پروین پاکزاد منش، افروغ رادفر، شیوا اسفاری، سارا بهرامی، ترنج شهبازی، نینا امین زاده، نادیا نجمی نیا، خاطره جهاندار و آقایان سید علی ساجد و حسن فرامرزی از اعضای تیم بسیج جوامع محلی که در مقاطعی با این پروژه همکاری داشتند و از اعضای گروه های محلی، چه کسانی که نامشان در اینجا آمده و چه کسانی که نامشان در اینجا نیامده است به پاس فعالیت ها، کمک ها و راهنمایی هایشان سپاسگزاری کنم. در پایان از همکاران عزیزم خانم ها سحر قاسم زاده، مارال مرتضوی، مهرآسا مهردادی و آقایان جلیل کرمی، احسان ریاب زاده، امیرحسین کاووسی، صابر معصومی و ابراهیم محمودپور که در برنامه ریزی و هماهنگی اجرای فعالیت های تیم بسیج جوامع محلی در دفتر پروژه هیرکانی تلاش نموده اند، قدردانی می نمایم.

داریوش بیات

مدیر ملی پروژه

بخش نخست: درک مشترک مفاهیم

در پروژه، ممکن است که مشاوران مختلفی برای مقاصد متفاوت به کار گرفته شوند. از آنجا که شاید این مشاوران در مقطعی فعالیت های مشترک داشته باشند یا حتی خروجی های یک مشاور برای مشاور دیگری مفید واقع شود، لازم است که مشاوران مفاهیم مورد استفاده در یک پروژه را در یک جلسه گروهی و با حضور مدیران پروژه و با تکیه بر سند پروژه، تعریف کنند. برای مثال «مشاور»/ «مشاوره»، «پایلوت»، «مشارکت» و حتی کلماتی چون «گزارش» تعریف شوند و بر سر آنها توافق گردد.

نوشته ها و نانوشته ها

یک مشاور توان افزایی و بسیج جوامع محلی مطابق با مفاد و بر نامه قرارداد یا سند فعالیت می کند اما فراموش نکنیم که گاه فعالیت هایی هستند که در این قرارداد یا سند نیامده اما تسهیلگر در سطح محلی تشخیص می دهد که انجام دادن آنها لازم است. در این حالت، گاه یک تصمیم گروهی توسط تسهیلگران گرفته شده و آن کار انجام می شود. بعدها لازم است که گزارش این فعالیت به پروژه تقدیم شود.

گروه هدف

در پروژه‌ها، گاه یک روستا یا بخشی از مردم یک روستا، گروه هدف شما هستند. باید دقت کنید که ممکن است گروه هدف شما دامداران کوچ رو باشند که بیلاق در تابستان و قشلاق در زمستان داشته باشند. لازم است که تسهیلگر این روش کوچ رویی را به خوبی بشناسد. رویکرد استخوان سگ (توجه به همه بخش‌های یک منطقه در کنار هم) که هم بیلاق، هم میان‌بند (میان بن یا میان راه) و هم قشلاق را در برمی‌گیرد، بسیار اهمیت دارد و لازم است که تسهیلگر دقیقاً با این رویکرد و رابطه میان این سه بخش، بزرگی یا کوچکی آن‌ها و زمان‌بندی واقعی که هر سال به کار گرفته می‌شود آشنا باشد.

آموزش اعضای تیم

فراموش نکنیم که اعضای تیم تسهیلگری در سطح محلی لازم است که پیوسته در یک فرآیند آموزشی قرار گیرند. این آموزش لازم نیست که حتماً به صورت کارگاه آموزشی باشد بلکه جلسات منظم تیمی و تبادل دانش در سطح این تیم به صورت حضوری یا مجازی ضرورت دارد تا میزان دانش تک‌تک اعضای این تیم به تدریج افزایش یابد. این افزایش مهارت (که در عمل به دست می‌آید) و افزایش دانش (که به واسطه تبادل ایجاد می‌گردد) در کنار گفت‌وگو و شنودهایی که در خصوص روش‌ها و الگوها انجام می‌شود (نگرش و رویکردها) حتماً بر کارکرد تسهیلگر در سطح محلی اثرگذار است.

ما محقق نیستیم

در سطح عملی، همواره تلاش می‌کنیم که از تحقیق در عمل مشارکتی استفاده کنیم و لازم است که تسهیلگر پیوسته با خود تکرار کند که ما محقق نیستیم. این مردم محلی هستند که محققان واقعی هستند. اگر آن‌ها کشفی کنند که به نفع تنوع زیستی و طبیعت باشد مهم‌تر از آن است که ما آن را کشف کنیم زیرا این مردم هستند که در نهایت این روش‌ها را به کار خواهند گرفت.

سازمان یابی، حاصل جلسات منظم

جلسات منظم با گروه های هدف یا حداقل با افراد مؤثر در گروه های هدف و علاقه مندان می تواند به تدریج به سازمان یابی آنها کمک کند، به شرطی که سازمانی موجود نباشد و ضرورت داشته باشد که گروه یا تعاونی شکل گیرد و شایسته است که این ضرورت را اعضای شرکت کننده در جلسات متوجه شوند. تا زمانی که آن ها متوجه این سازمان یابی نشوند چنین چیزی شکل نخواهد گرفت و این معمولاً به واسطه جلسات منظم و گفت و شنود درباره آن ایجاد می شود.

جلسات گروهی کوچک پس از جلسات عمومی

متوجه شدیم که پس از جلسات عمومی در ابتدای پروژه، جلسات کوچک دو یا سه نفره می تواند کمک کند که بتوانیم افراد مؤثر یا اثرگذار را به تدریج پیدا کنیم. برای همین به این نتیجه رسیدیم که پس از برگزاری یک جلسه عمومی و توضیح درباره پروژه، خوب است که این جلسات کوچک سازمان دهی شوند. البته این درسی است که از فعالیت در پایلوت بلیران که گروه هدف از دامداران تشکیل شده بود، گرفتیم. برای جلسات عمومی اولیه دقت داشته باشیم که همه دعوت شوند و حضور و عدم حضور افراد توسط خودشان مشخص گردد و نه توسط دعوت کنندگان.

در همه کارها، کودکان بخشی از گروه هدف هستند

کودکان نسل آینده ای هستند که در همه پایلوت ها نقش آفرین خواهند بود. باید کودکان را در جوامع محلی می دیدیم. کودکان لازم است که یکی از گروه های هدف ما باشند و برای کار با آن ها برنامه ریزی شود. خوب است که اداره آموزش و پرورش نیز به عنوان یکی از دست اندرکاران در کمیته هماهنگی محلی (LCC) و حتی در کارگاه های برنامه ریزی یکپارچه دعوت شود. همچنین تجربه نشان داد که آن ها در کار پاک سازی روستا بسیار با انگیزه وارد می شوند. دادن یک هدیه کوچک به کودکان بسیار اثرگذار است. مدارس روستایی می توانند در زمینه همراه سازی کودکان مفید واقع شوند.

برگزاری نمایشگاه‌ها کوچک در ابتدای راه

در منطقه چهلچای، متوجه شدیم که وقتی نمایشگاه‌های کوچکی از محصولات و تولیدات روستایی (مانند صنایع دستی) برگزار می‌کنیم، بر اشتیاق دهیاران برای کمک به اجرای طرح در روستاهای هدف اثرگذار است. برای طراحی این نمایشگاه‌ها وقت بگذاریم و با دقت آن‌ها را سازمان دهیم.

اعتمادسازی در ابتدای مسیر: بیشتر وقت بگذاریم

وقتی مطابق برنامه‌ها در روستاها یا در میان گروه هدف حضور می‌یابید و این حضور منظم و طبق وعده‌ها اتفاق می‌افتد، اعتماد مردم به ما بیشتر می‌شود. گاه لازم است که شب مانی‌های تسهیلگر در روستاها بیشتر باشد تا گفت‌و شنود بیشتر رخ دهد و همین باعث می‌شود که میزان اعتماد روستایی‌ها بیشتر شود. اوج اعتمادسازی این است که جامعه محلی ما را به‌مانند یک خانواده می‌بیند چون ما عضوی از خانواده ایشان شدیم و این به تعمیق اعتماد کمک می‌کند. برای مثال در پایلوت گیلان، در خلال فعالیت‌های پروژه اعتماد عمیقی بین تسهیلگران و جامعه محلی به وجود آمد و جامعه محلی تسهیلگران را به‌عنوان عضوی از خانواده‌شان پذیرفته و همواره در بسیاری از مناسبت‌هایشان حضور داشته‌ایم و اعتماد بین تسهیلگران با آن‌ها به بیشترین سطح خود رسیده است. در ضمن حضور مستمر در روستا اثر مثبتی بر خوب پیش رفتن فرآیند دارد. درک درست از اینکه کجای فرآیند هستیم مستلزم این است که در روستا و کنار مردم باشیم و بدانیم مردم و گروه چه می‌گویند و شرایط چگونه است تا تصمیمات لازم را در خصوص فرآیند کار (تا جایی که مقدور است با مشارکت جامعه محلی) با توجه به واقعیت‌های موجود اتخاذ کنیم.

نقطه ورود

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار برای ورود به اجتماع محلی، ورود با یک گردهمایی مشترک است. چه این گرد همایی جهت معرفی شما به روستا تشکیل شده باشد و چه در مراسم‌های مشترک محلی این ورود معرفی شود. بهترین روش برای ورود، ایجاد ارتباط قبل از ورود با یک رابط محلی خصوصاً

در همان روستا می باشد.

ارتباط گیری با دستگاه های مسئول منطقه

یکی از روش های مهم، ایجاد پل میان دستگاه های دولتی منطقه و مردم محلی است و کشاندن مسئولان به منطقه مورد نظر (روستا) از چند جهت اهمیت دارد:

- آگاهی مسئولان و در جریان قرار دادن آن ها
- اعتماد سازی عمومی درباره اینکه مسیر فعالیت کاملاً قانونی و بر اساس تشکیلات اداری پیش می رود.
- اعتماد عمومی مبنی بر اینکه فعالیتی که در روستا قرار است انجام پذیرد کاری بیهوده نیست و فعالیت تسهیلگران کاملاً قانونی و با تکیه بر پویایی کار برنامه ریزی شده است.

شکل گیری گروه های محلی

در شکل گیری گروه های محلی، چند نکته بیشتر به چشم می خورد:

- خانم ها زودتر جذب گروه می شوند و به این فعالیت ها بیشتر علاقه دارند.
- افراد بایستی یکسان دیده شوند و حتی برخی (مانند معلولان یا جوانان) نیاز به توجه بیشتری دارند.
- جوانان منشأ تغییرات هستند.

در تشکیل گروه های محلی خانم ها نقش مشارکت پذیری بیشتری دارند و در ابتدا بستر ساز خواهند بود شاید در مراحل اولیه، به نظر آید که توان اجرایی کمتری نسبت به مردها داشته باشند ولی مردها بیشتر به دیده تردید نگاه خواهند کرد و عملاً سعی در کوچک نمایاندن این روش یا دستاوردها خواهند داشت ولی در اجتماع خانم ها، فعالیت ها بسیار پررنگ دیده خواهد شد و هر بار سعی می کنند

افتخارات بیشتری به گروه خود اضافه کنند.

مهم است که به همه افراد یک گروه توجه کنیم و کسی احساس نکند در حاشیه قرار گرفته است. آموختیم که باید در ارتباطات توازن ایجاد کرد و به همه اعضای گروه حداقل توجه را کرد و صدایشان را شنید.

دقت کنیم که گروه مهم است، هرچند سخت می‌شود گروهی را منسجم و فعال کرد اما بعد از اینکه اعضای گروه به درک نتیجه فعالیتشان پی بردند، از هم‌پاشیده شدن آن‌ها تقریباً محال می‌شود.

استقلال کم یا محدود زن‌های جوامع محلی

خانم‌های روستا کمتر مستقل از همسرانشان عمل می‌کنند و انجام فعالیت‌ها را منوط به اجازه شوهرانشان می‌دانند، پس در این گروه در انجام فعالیت باید علاوه بر خود فرد خانواده وی نیز در نظر گرفته شود. اگر خانواده و همسران خانم‌ها در جریان فعالیت‌ها قرار نگیرند، ممکن است انجام فعالیت به شکست بیانجامد یا اثرگذاری آن کمتر باشد.

تأثیر مناسبات و خویشاوندی در روستاها

یکی از عوامل مهم جناح‌بندی در گروه‌ها تأثیر و پیوندهای خونی و نسبی افراد در روستاها می‌باشد که تسهیلگر باید به آن دقت کند. این امر گاه موجب تفرقه در گروه شده و گاه پیامد مثبت اتحاد را به همراه دارد. تسهیلگر باید هوشیارانه به این موضوع توجه کرده و چالش‌ها را به فرصت تبدیل نماید.

بی‌اعتمادی جوامع محلی به سازمان‌ها

یکی از مشکلات تسهیلگران بی‌اعتمادی مردم محلی به سازمان‌هاست و گاه مردم محلی تسهیلگران را از طرف سازمان‌های دولتی می‌بینند و این موضوع فرایند اعتماد سازی بین محلی‌ها و تسهیلگر را کند خواهد کرد. تسهیلگر باید بتواند مرز میان خود و سازمان‌های دولتی را به روشنی بیان نماید

تا بتواند آرام آرام جزئی از جامعه محلی شود. در عین حال تسهیلگر باید توجه داشته باشد که شایسته است روی اعتماد زایی بین گروه هدف و سازمان ها به تدریج کار کند.

پیگیر بودن افراد و فعالیت ها

تسهیلگر باید در فرایند کار پیگیر اتفاقات و افراد باشد. از این طریق فرد احساس بالارزش بودن و نقش پذیری خواهد کرد. با پیگیری فعالیت های انجام شده، افراد اگر در جریان فعالیتی سرد یا کم رنگ شده باشند با پیگیری می شود دلایل آن را فهمید و با کمک خودشان چاره ای یافت.

استفاده از زبان و گویش محلی

در ارتباط گیری با جوامع محلی استفاده از لغات، طنزها، استعارات و در کل زبان محلی اهمیت خیلی مهمی دارد. اگر بتوانیم از این شیوه به خوبی استفاده نماییم پل های ارتباطی محکمی بین خود و جوامع محلی ساخته ایم. استفاده از گویش محلی حتی فرایند اعتماد سازی و صمیمیت بین تسهیلگر و فرد را سریع تر و بیشتر خواهد کرد.

استفاده از چند تسهیلگر در هر پایلوت

یکی از نکته های حائز اهمیت وجود چند تسهیلگر در منطقه به صورت اشتراکی است. مثلاً در برخورد تسهیلگر مرد با جامعه زنان روستایی، زنان در حالت تدافعی تر قرار می گیرند و ارتباط گیری سخت تر شکل خواهد گرفت و همین طور در حضور فرایند کار مردان، تسهیلگر زن از امکان کمتری برای شکل گیری فعالیت گروه محلی آقایان برخوردار است و اینکه گاه به طور کلی ممکن است افرادی بدون هیچ دلیل از تسهیلگری خوششان نیاید ولی این دیدگاه را نسبت به تسهیلگر مکمل نداشته باشند. همیشه به یک تیم از تسهیلگران برای هر پایلوت نیاز دارید.

شنونده خوبی بودن

خوب گوش دادن یک هنر است و این امر برای تسهیلگری بسیار بارز می باشد. در واقع تسهیلگر بیشتر شنونده است و باید با صبوری بسیار، سخنان، ایده ها، درد و دل ها و اعتراضات افراد محلی را بشنود و به خوبی منعکس کند تا با همفکری چاره ای برای مشکلات گروه پیدا شود. با تمام وجود باید سعی کرد ساکت بود و گوش کرد. آنچه مردم بومی می خواهند و می گویند مسئله است، نه حتی اهداف و باورهای ما در پروژه! تسهیلگر تنها سعی می کند این خواسته های فردی را به خواست جمعی برساند و پیوند بزند. هرچه افراد بیشتری از جامعه محلی حضور داشته باشند موفق تر خواهند بود، ولی ضرورت دارد که شنونده خوبی باشیم.

کمک گیری از دانش بومی منطقه

استفاده از دانش دانشگاهی در تمامی زمینه ها از جمله علم ارتباطات، اقتصاد، مدیریت و برنامه ریزی و نیز دانش در حوزه های تخصصی مانند محیط زیست، علوم مهندسی کشاورزی، مهندسی جنگل و ... می تواند شمی برای مسیر تسهیلگری باشد. اما این دانش تخصصی در کنار استفاده از دانش بومی و به کارگیری آن چراغی را در مسیر روشن خواهد کرد زیرا بومیان محلی سال های سال بدون داشتن تخصص همواره بدون مشکل با شرایط طبیعی و اقلیم منطقه مواجه بوده و هرگاه چالشی به وجود آمده به طور طبیعی با آن مقابله می کردند. اطلاعاتی در درون منطقه وجود دارد که مختص آن بوم است و در هیچ کتابی دیده نخواهد شد لذا توجه به دانش بومی از اهمیت خاصی برخوردار است.

اخلاق محوری

در هر شرایطی تسهیلگر باید اخلاق حرفه ای را دنبال کند. یکی از این اخلاق های حرفه ای عدالت محوری است و اینکه همه افراد را به طور یکسان ببیند. اگر گروهی از افراد تنها به دلیل اینکه گروه پابرجا بماند از مسیر درست دور شدند اغماض ننمایید، چون این رویه را در پیش گرفتن

باعث تضییع برخی حقوق می شود و بی اعتمادی به وجود می آورد. تسهیلگر باید بسیار صبور و خوش اخلاق و خنده رو باشد. در ضمن تسهیلگر نباید از حرف ها ناراحت شود و لازم نیست در برابر بدی ها عکس العمل های تلافی جویانه داشته باشد، این مشکلات را باید به شکلی دیگر حل کرد.

فرایند محوری

تسهیلگر باید نگاه فرآیند محوری داشته باشد نه نتیجه گرایی. گاهی برخی از کارها منجر به نتیجه نمی شود ولی فرایند بسیار مثبتی از خود به جا خواهند گذاشت که آن فرایند منجر به نتیجه و نتایج دیگری نه تنها در آن زمینه بخصوص، بلکه در زمینه های دیگر خواهد شد. مثلاً شما یک کارگروه صندوق خرد روستایی با حضور افراد محلی تشکیل خواهید داد، افراد در آن حضور خواهند یافت به هر دلیلی برخی افراد گروه عضو صندوق نخواهند شد ولی با شکل اجتماعی این چینی، با یادگیری فرایند کارگروهی، ممکن است این افراد در یک گروه، در تولید و فرآوری محصولات جنگل باهم همکاری نمایند.

استفاده از فرهنگ و نمادهای بومی

یکی از راه های ارتباط گیری تسهیلگران، علاقه مندی تسهیلگر به فرهنگ خاص آن منطقه می باشد. مثل پوشیدن لباس محلی، خرید محصولات محلی آن منطقه، صحبت ها، گویش و حتی فراگیری آداب و سنن منطقه بسیار جالب است و موجب عجین شدن تسهیلگر با مردم آن منطقه خواهد شد.

استفاده از نمونه های شاهد موفق

یکی از راه های علاقه مند کردن افراد در هر منطقه به انجام فعالیت خاص، استفاده از نمونه های موفق مشابه در منطقه یا در دیگر مناطق می باشد. استفاده از جوانان پیشرو در محل و گاه نمونه شدن افراد در فعالیت خاص می تواند موجب ترغیب دیگر افراد به انجام فعالیت ها شود.

رشد تسهیلگر

از آنجاکه تسهیلگری امری بسیار سخت و پیچیده است، تسهیلگر باید بسیار صبور و آرام باشد. از شکست ها درس بگیرد و آن ها را تجربه راه نماید. تسهیلگر باید بسیار حوصله به خرج دهد و توانایی و ظرفیت برخورد با مشکلاتی را که تا حال تجربه نکرده است داشته باشد زیرا در فرایند کار با افراد مختلف و شخصیت های متفاوت روبه رو خواهد شد. دقت کنیم که بخشی از رشد تسهیلگر در جامعه محلی و کنار مردم اتفاق می افتد. از کار کردن با مردم است که یاد می گیریم و تجربه کسب می کنیم. حضور، توأم با درک و لمس واقعیت و تجربه کردن است و گاهی نه خواندنی است و نه گفتنی، فقط باید درکش کرد.

زمان و مهلت ها

در فرایند محور بودن کار تسهیلگری زمان مفهوم خاصی ندارد. نمی توانیم بگوییم در فلان تاریخ و فلان زمان ما به این نتیجه خاص خواهیم رسید ولی می توان بازه زمانی تعریف نمود. در موضوع صرف زمان در خود روستا نیز گاه پیش می آید شما عملاً یک یا دو ساعت را برای جلسه در روستا در نظر گرفته اید ولی گاه ۵ الی ۶ ساعت زمان در دل روستا صرف خواهد شد. در عین حال، یاد گرفتیم زمان اهمیتی ندارد. اگر چه ممکن است در برخی موارد با از دست دادن زمان از انجام فعالیتی جا بمانید، اما مطمئناً اگر اعتماد و همکاری مردم را نداشته باشید حتی اگر آن فعالیت انجام شود، پایدار نخواهد بود.

استفاده از پول گرم

مفهوم پول گرم با شکل گیری صندوق روستایی عینیت می یابد، بدین صورت که اعضای صندوق به دلیل اینکه پول ماحصل دسترنج خود را در صندوق می گذارند و برایشان اهمیت دارد و با ارزش است، برایش برنامه ریزی خواهند کرد، برخلاف پول سرد که از محل طرح ها یا اداره های مختلف به گروه تزریق خواهد شد.

خروج از پایلوت طرح

نحوه خروج از پایلوت باید به صورت آرام آرام باشد. نمی شود یکباره افراد جوامع محلی را با انبوه سؤال ها، فعالیت ها و جریان ها تنها گذاشت؛ حداقل شش ماه قبل از خروج تسهیلگران از منطقه باید این جریان برای افراد بومی گفته شود، اتکا افراد به حضور تسهیلگران کم رنگ شده و از دل گروه های محلی شکل گرفته، تسهیلگران محلی و یا گروهی استخراج شود.

نیاز به آموزش تخصصی گروه محلی

آموزش در میانه راه پیرامون مسائل فنی، زیست محیطی و ... که گروه درگیر آن است ضروری می باشد. به طور مثال اگر گروه محلی روی گردشگری کار می کند بهتر است تسهیلگر و پروژه کمک کنند تا اعضای گروه نسبت به اکوتوریسم آشنایی پیدا کنند و منابع در اختیار آن ها قرار گیرد. البته این موضوع زمانی اهمیت دارد که در ادامه خواست اعضای گروه صورت گیرد و ما این موضوع را تسهیل نماییم تا منابع و کانون ها را راحت تر در اختیار آن ها قرار دهیم.

مداخله مسئولان پروژه در ابتدای راه

هرگونه مداخله مسئولان پروژه به ویژه در ابتدای فرآیند کار تسهیلگری تبعات بسیار بدی به همراه دارد و می تواند لطمات جبران ناپذیری وارد نماید. این موضوع را به دقت با مسئولین طرح کنید و از آنها بخواهید که با هماهنگی تسهیلگرها به روستاها بروند یا در جلسات محلی شرکت کنند.

هماهنگی مشاوران دیگر با تسهیلگر

در اولین فرصت مشاورین مختلف پروژه که با موضوعات مختلف درگیر هستند باید با مسائل تسهیلگری و فرآیند آن در هر منطقه آشنا شوند و همچنین حضور آن ها در منطقه با هماهنگی تسهیلگر و گروه های محلی باشد. تجربه نشان داده است که عموماً این مشاوران از میان بازنشتگان

دولتی با معلومات بالا هستند که به دلیل مدت زمان زیاد فعالیت در سیستم اداری، نسبت به مشارکت و اصول آن به طور کامل آگاه نیستند و رفتارهای آن‌ها به صورت خودکار به طرح، کاغذ و اجرا محدود می‌گردد. مشاوران کمتر در طراحی مسائل با مردم مشورت می‌کنند زیرا در قبال مبالغی که دریافت کرده‌اند خود را مسئول می‌دانند و این احساس مسئولیت به سمت طراحی کردن بهتر می‌رود و نه طراحی توسط مردم، پس موجب می‌شود ابتدا به طراحی بپردازند و سپس برای تأیید سراغ گروه‌های محلی بروند. تسهیلگر باید به این فرآیند خوب دقت کند تا از مسیر خارج نشود.

هزینه کرد پروژه‌ها در محل

هزینه کردها توسط پروژه لازم است با رعایت این اصل انجام شود که در میان مردم محلی حس بدی به وجود نیارد. به طور مثال وقتی برای یک ناهار غذاهای بسیار عالی صرف می‌شود و بیش از ۱۰ میلیون تومان هزینه می‌گردد و این مسئله به گونه‌ای رخ می‌دهد که افراد محلی شاهد آن هستند- باز خورد خوبی در درازمدت ندارد. جوامع محلی به این مسئله فکر می‌کنند که گروه هدف افراد دیگری هستند و چرا چنین رقم‌های قابل توجهی توسط پروژه هزینه می‌گردد، اما برای مثال، مستقیماً برای کمک به گروه‌ها مبلغی پرداخت نمی‌گردد. حتی اگر پیمانکار چنین برنامه‌هایی گروه محلی باشد باز هم این حس وجود دارد و بهتر است چنین برنامه‌هایی محدودتر برگزار گردد. لازم است که اگر چنین هزینه کردهایی رخ می‌دهد واضح و شفاف برای مردم توضیح داده شود.

گروه‌های بیرون از اجتماع محلی

در حین انجام فعالیت‌هایی که برخاسته از تصمیمات گروه محلی است، تسهیلگر می‌تواند از گروه‌های بیرون از جامعه محلی دعوت کرده و جلساتی را ترتیب دهد که طی این جلسات اعضای این گروه‌ها با گروه محلی بنشینند و به همکاری و کمک به گروه محلی بپردازند. این مسئله به ثبات گروه‌های محلی در فعالیت و همچنین افزایش انگیزه‌های آن‌ها کمک می‌کند. البته باید مراقب بود این خواست از درون گروه محلی باشد و موجب نشود مدیریت و مالکیت گروه محلی بر فرآیند فعالیت کمرنگ گردد.

بارش افکار

روش بارش افکار برای حل مشکلات اهمیت دارد. این روش باید مطابق با اصول آن انجام شود. مردم محلی باید در این خصوص آموزش ببینند. آن‌ها باید بدانند که ایده‌ها را نقد نکنند. همه ایده‌ها مهم هستند و اینکه چه طور می‌توانیم با نوشتن آن‌ها ذهن افراد را به سمت ایده‌های ناب باز کنیم و اینکه چقدر زیبا می‌توانیم از بین ایده‌ها، اولویت‌ها را به‌طوریکه همه راضی باشند، استخراج نماییم.

جلسات با مدیران محلی و میانی

نیاز داریم جلسات خصوصی بیشتری با مدیران میانی، بخشدار، شورای بخش و ... توسط تسهیلگر و همچنین مسئولین پروژه داشته باشیم، زیرا در جلسات عمومی با حضور جوامع محلی و گروه‌های مختلف (مانند جلسات برگزار شده برای برنامه‌ریزی مدیریت تلفیقی) معمولاً ملاحظات وجود دارد که این مسئولین مطرح نمی‌کنند که چه نگاهی در ذهن آن‌ها نسبت به کلیت پروژه وجود دارد و به‌طور جد نیاز است جلسات خصوصی بین تسهیلگر و مسئولین به همراه جامعه محلی برگزار شود تا مسائل تبیین گردد وگرنه آن‌ها به‌دوراز نگاه ما و بر اساس برداشت‌های غلط به صحبت با جوامع محلی می‌پردازند و این موضوع می‌تواند خسارت‌هایی را وارد نماید. در ضمن، حضور نمایندگان گروه‌های محلی در جلسات کارگاهی و دولتی باعث می‌شود که کار از طرف گروه‌های محلی جدی‌تر گرفته شود. آن‌ها متوجه هویت گروهی خود شده و بهتر پیگیر فعالیت‌های خود می‌شوند. مقامات محلی باید این اهمیت را (که از سوی جامعه محلی داده می‌شود) به رسمیت بشناسند.

هماهنگ‌کننده‌ها و نقش آن‌ها در سطح محلی

کارکنان دستگاه‌های دولتی که در پروژه نیز عضویت دارند به دلیل وابستگی به حقوق دریافتی (در صورتی که از محل پروژه در مقایسه با مشاوران حقوق دریافت نکنند) ممکن است همکاری لازم را انجام ندهند و موجب می‌شوند پیشبرد کار تسهیلگر در دستگاه‌های دولتی مربوطه همچون اداره

منابع طبیعی شهرستان و استان با مشکل مواجه شود و هماهنگ‌کننده‌های دولتی که عضو پروژه هستند به دفاع مناسب و پیشبرد امور در اداره مربوطه خویش نپردازند. همواره به هماهنگ‌کننده‌ها توضیح دهیم که نقش آنها در سطح محلی اهمیت دوچندانی دارد.

تأکید بر نقش جوانان

نقش جوانان در جوامع محلی بسیار مهم است و به این گروه باید نگاه ویژه‌ای داشت. چنین افرادی در جامعه محلی بهتر است توسط تسهیلگر یا گروه کوچک محلی که در ابتدا شکل گرفته است کاملاً شناسایی گردند و به سراغ ایشان رفت و آن‌ها را در جریان اتفاقات قرار داد. جوانان پیش رو به عنوان نقطه ورود می‌توانند تغییرات مورد قبول در جامعه محلی را به پیش ببرند. ایشان به دلیل نگاه به‌روزتر و همچنین پذیرش بیشتر تغییرات می‌توانند مهم باشند. همچنین در این فرآیند جوانان بیکار یا دارای شغل نیمه وقت که فرصت کافی برای حضور و فعالیت در فرآیند را دارند نیز باید در نظر گرفته شوند.

گاهی بی‌واسطه نزدیک شویم

سعی کنیم در مواردی، بی‌واسطه به افراد جامعه محلی نزدیک شویم. حضور همیشگی افرادی چون شورا، دهیار و تسهیلگر محلی در همه گفت‌وگوها باعث می‌شود افراد در گفتن مسائل معذب شوند و نتوانند به راحتی حرف بزنند و نیاز است گاهی تسهیلگر بی‌واسطه به صحبت مردم گوش دهد.

تبیین اهداف پروژه برای گروه‌های محلی

اهداف اصلی پروژه که در چند جمله خلاصه می‌شود همچون «جوامع توانمند، جنگل‌های پایدار» و یا سند پروژه باید به درستی برای جوامع محلی بخصوص اعضای گروه‌های محلی تبیین شود. اینکه دقیقاً چه رویکرد و نگاهی در پروژه وجود دارد باید ساده و روان توضیح داده شود.

فیلم مستند، یک روش جذاب

نیاز هست در مواردی خاص همچون دامداران بلیران، روش های جذاب (مانند تهیه فیلم مستند دامداران) برای نزدیکی بیشتر به جامعه محلی و گفت و گو طراحی گردد (بخصوص در شرایط کاری سخت همچون دامداری).

بازدید از نمونه های موفق

بازدید از نمونه های موفق فعالیت گروه های محلی در نقاط دیگر یا بازدید از الگوهای معیشتی جدید می تواند روحیه بخش و ایده دهنده باشد یا به انتقال این الگوها به روستا کمک کند (مثلاً بازدید از مزرعه تمشک بدون خار و تلاش برای کشت تمشک توسط گروه یا بازدید از گردشگری در منطقه سوادکوه که توانست در گسترش خانه های بومگردی مؤثر باشد).

ردپاهای گذشته

تسهیلگر در جایی از ذهن خود باید همیشه جستجو کند تا ردپایی از ارتباطات قدرتمند گذشته که اکنون کمرنگ شده است را در اجتماع محلی بیابد. بخصوص در روستاها که نیروی محلی و همچنین ارتباطات قدرتمند طایفه ای و معنوی و عرفی بسیار قوی بوده و اکنون کمرنگ شده است اما ردی از آن در صحبت ها و باز دیده ها نمایان می شود. تسهیلگر باید به پررنگ شدن این مسائل درست بیندیشد و جوهری تهیه نماید تا اهالی به رنگ آمیزی این تصویر کمرنگ شده بپردازند.

دقت در ریشه ها

تسهیلگر باید به نظریه های جامعه شناسی که پیرامون پروژه مطرح است و روح پروژه از آن نشات می گیرد آشنا باشد و به مطالعه در این موارد بپردازد. به طور مثال اینکه جنگلداری اجتماعی چیست و نظریه های مدیریت مشاعات توسط مردم بومی را ریشه ای مطالعه نماید. اگر او با ذهن باز به فعالیت

بپردازد، هم خود فرآیند را بهتر متوجه می شود و هم در قبال پرسشگران مختلف بومی و دولتی پاسخ هایی مرتبط خواهد داشت. تسهیلگر نباید صرفاً به کارگر روزمره تبدیل شود بلکه باید ریشه های اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و جامعه شناختی پروژه را مطالعه و درک نماید و بتواند آن ها را در عمل و در بوته آزمایش بررسی کند.

شکست ها مهم هستند

شکست ها در پروژه ها به اندازه پیروزی ها ارزشمند هستند و هر شکست حتی بهتر از پیروزی، درس هایی را برای ادامه کار روشن می کند. لذا به عنوان تسهیلگر ما شکست هایی داشته ایم اما ادامه دادیم، گاهی خروجی هایی بوده که دوست نداشته ایم شکل بگیرد اما ادامه دادیم و اصول تسهیلگری را فدای خروجی های موقتی ناپایدار نکردیم.

گزارش های تسهیلگران

گزارش نویسی از ضرورت های کار تسهیلگری است. ما باید پیوسته بنویسیم. در این پروژه ما هم روی کار در جوامع محلی متمرکز ماندیم و هم روی گزارش دهی. گزارش دهی به ما کمک کرد که بهتر بفهمیم و تجربه های واقعی خود را با سایر تسهیلگران و دفتر پروژه به اشتراک بگذاریم. بهتر است گزارش تسهیلگران همراه با تحلیل آن ها بوده و صرفاً ثبت وقایع نباشد.

علاقه، شرط لازم تسهیلگری

شرط لازم تسهیلگر، علاقه به مردم و تسهیلگری و همچنین علاقه به موضوع موردنظر است و اگر این علاقه نباشد کار سخت می شود. یکی دیگر از عوامل موفقیت در فعالیت تسهیلگری این است که تسهیلگر آرمان ها و علایق مشترکی با جامعه محلی داشته باشد. برای مثال حفظ جنگل، حفظ محیط زیست و کمک به مردم علایق و آرمان مشترک تسهیلگران و رهبران محلی پالیوت های پروژه هیرکانی بوده است.

موضوع اصلی پروژه جامعه محلی است

جامعه محلی باید این احساس را داشته باشد که موضوع اصلی پروژه آن ها هستند و منابع طبیعی، جنگل و ... در مرحله بعدی و مرتبه پایین تر اهمیت برای تسهیلگر و پروژه قرار دارد.

همه تخم مرغ ها در یک سبد نباشد

گذاشتن همه تخم مرغ ها در سبد طرح های جنگلداری، پارک و ... اشتباه است و با تأخیر در بررسی، تصویب و سایر مراحل اداری، ضربه بزرگی به مشارکت جوامع خواهد خورد. برای همین تلاش نکردیم که مردم را به انتظار دعوت کنیم بلکه روی زمینه های دیگر تا توانستیم کار کردیم.

فعالیت گروهی موجب رشد می شود

فعالیت گروهی و عضویت در گروه منجر به از هم آموختن و رشد می شود. در فرآیند فعالیت ها این رشد و از هم آموختن در گروه جدی است. افراد در گروه در رابطه با موضوعاتی که درگیرشان هستند گفت و گو و تبادل نظر می کنند، اطلاعات شکل می گیرد و در کارگاه های مرتبط حضور فعالی خواهند داشت. به همین دلیل در پروژه مدیریت چندمنظوره هیرکانی موضوع از هم آموختن افراد در قالب گروه برای تسهیلگران عینیت بیشتری داشته و می تواند یکی از درس های آموخته به حساب آید.

الگوها در اجتماع رشد می یابند

گاهی یک الگو خودبه خود در جامعه محلی گسترش پیدا می کند و سایر افراد را تحت تأثیر قرار می دهد. برای مثال می توان به فعالیت گردشگری بعضی از جوانان روستا در منطقه فریرودگیلان اشاره کرد که با الگو گرفتن از فعالیت آقایان عظیم و حافظ گسترش یافت.

افزایش اعتماد و تاب آوری

تعمیق اعتماد بین تسهیلگر و جامعه محلی تاب آوری جامعه محلی را افزایش می دهد. تاب آوری و اعتماد ارتباط مستقیمی باهم دارند. هر جا که اعتماد در بین اعضای گروه بیشتر شد، تاب آوری نیز بیشتر بوده است. اعتماد بین تسهیلگر و جامعه محلی به تعمیق اعتماد اعضای گروه کمک می کند.

موفقیت های کوچک

موفقیت های کوچک گروه های محلی موجب ایجاد ظرفیت هم افزایی الگو در سطح منطقه می شود. با موفقیت آمیز بودن فعالیت های گردشگری گروه کی سو در استان گیلان برخی از افراد در روستاهای دیگر پایلوت به استناد به این الگو ابراز تمایل کردند که برای راه اندازی گردشگری و فعالیت های اکوتوریسم کمکشان کنیم و این نشان می دهد که موفقیت های گروه محلی، مردم سایر مناطق را تشویق به شکل دهی الگوهای مشابه می کند و منجر به ایجاد ظرفیت هم افزایی یک الگو می گردد.

اعضای گروه محلی از تسهیلگران فرامی گیرند

متوجه شده ایم که برخی از اعضای گروه به مرور با تکنیک های تسهیلگری آشنا می شوند و از تسهیلگران الگوبرداری می کنند. در اوایل پروژه افراد محلی دلشان می خواست که بدانند تسهیلگر کیست و چه می کند اما امروز ما با افرادی مواجه هستیم که خودشان تسهیلگر در سطح محلی و در کنار ما هستند برای مثال می توان به فعالیت های اعضای گروه محلی در روند تولید برنج سالم در گیلان اشاره کرد که چطور آن ها خود تبدیل به تسهیلگران محلی شدند. دقت کنیم که استفاده از تسهیلگر محلی در جلسات دیگر گروه ها می تواند مؤثر باشد.

توانمندسازی، فرآیندی زمان بر

توانمندسازی و تکامل گروه ها زمان بر است. عمیقاً درک کردیم که اگر فرآیند خوب پیش برود نتایج

خوب خواهد بود. این رشد و تغییر در نگرش افراد به تدریج اتفاق می افتد و لازم است که صبور باشیم. در پایلوت گیلان، کمی طول کشید که گروه محلی بر گردشگری متمرکز شود و روی این فعالیت سرمایه گذاری کند ولی سرانجام این فعالیت در پایلوت فریود بسیار موفق شد.

نگاه پایین به بالا را تمرین کنیم

از پایین به بالا نگاه کردن ما را به جامعه محلی نزدیک تر می کند و در کنار مردم قرار می دهد. وقتی کنار مردم هستیم و به آن ها گوش می دهیم از زاویه دید آن ها مسائل را می بینیم و با واقعیت های جوامع محلی آشنا می شویم و این ما را به مردم و واقعیت هایشان نزدیک تر می کند. در ضمن، آموختیم بهتر است به جای نسخه پیچیدن و برنامه ریزی کردن برای اموراتی که می خواهیم در روستا بهبود یابد یا تغییر کند، از روش های پیشنهادی خود مردم استفاده کنیم و آن ها را در جلساتمان به سمتی سوق دهیم که خودشان برای حل مشکل یا بهبود اوضاع به راه حل برسند.

توجه به رهبران محلی

توجه به رهبران محلی خوب است اما باید در کنارش در ارتباطات توازن بیشتری ایجاد کنیم. متوجه شدیم که رهبران محلی می توانند در جلب مشارکت و اعتماد مردم مؤثر باشند اما گاهی هم پیش می آید که مناسباتشان با برخی از افراد و گروه های داخل محل خوب نباشد، در چنین شرایطی حضور تسهیلگر در بین این افراد دسترسی به ایشان و شنیدن حرف هایشان را ممکن می سازد اما اگر روابط به واسطه رهبران محلی باشد آن وقت ممکن است ما به این افراد در حاشیه مانده دسترسی نداشته باشیم و این موجب کاهش مشارکت شود.

هم فهمی میان تسهیلگر و اعضای گروه محلی

رسیدن به هم فهمی بین تیم تسهیلگر و اعضای گروه محلی یک ضرورت است. به نظر می رسد درک

مشترک داشتن از اهداف یکدیگر هم اعتماد و هم همکاری بین افراد را بیشتر می‌کند.

کسب توانمندی‌های جدید

قرارگیری افراد در گروه محلی موجب تعمیق درکشان از ارزش‌های منابع موجود و داشته‌هایشان شده و موجب تمایل به کسب توانمندی‌های جدید در برنامه‌ریزی در جهت بهره‌برداری پایدار از این منابع می‌شود. برای مثال کشف ظرفیت گردشگری در جنگل که در گذشته مردم نسبت به آن کم توجه بودند، درک بیشتر اهمیت جنگل در زندگی انسان که در خلال درگیری افراد در پروژه به وجود آمد و موجب تغییر رفتار و افکارشان گردید و این‌ها همه در قالب گروه اتفاق افتاد.

سپردن امور به اعضای گروه محلی

آموختیم گاهی سپردن کارهای اداری و گرفتن مجوزها به اعضای گروه-که به نظر تسهیلگر و خود اعضای گروه از عهده بچه‌های روستا بر نمی‌آید- نه تنها سریع‌تر و بهتر انجام می‌شود، بلکه اعتماد به نفس و توانمندی اعضای گروه را افزایش می‌دهد وابستگی آن‌ها را کم می‌کند.

صندوق‌های خرد

یاد گرفتیم تشکیل صندوق‌های خرد در روستاها چقدر می‌تواند به اتحاد مردم و نزدیک شدنشان کمک کند و در عین حال موانع و مشکلات مالی را در بسیاری موارد حل کند.

برگزاری جلسات در محل‌های متفاوت

جلسات را در يك جای ثابت برگزار نکنیم. اگر مکانی غیر از منزل‌های شخصی وجود ندارد، هر جلسه در منزل یکی از بچه‌های گروه برگزار گردد.

برخی درس های دیگر

- در برخی مواقع هر چه با گروه های محلی بیشتر دوست و صمیمی باشیم، کارها بهتر پیش می رود. در برخی مواقع نیز نتیجه عکس دارد. لذا لازم است که با دقت پیش رویم.
- بگذاریم خود اعضای گروه ها برای ادامه فعالیت های خود ایده پردازی کنند و ما تنها نقش هدایت کننده را برای آنان بازی کنیم.
- هیچگاه در اجرای تسهیلگری در میان مردم در جامعه محلی نقش بازی نکنیم. همواره خودمان باشیم.
- برگزاری جلسات مشترک بین اعضای گروه های محلی مختلف می تواند نتایج مثبتی به همراه داشته باشد.
- به گروه های محلی اعتماد کنیم و زمینه برگزاری مراسم مختلف به ابتکار آن ها را فراهم کنیم.
- همیشه به تفاوت مفهوم صبر در میان جوامع محلی احترام بگذاریم / شاید صبر برای ما به معنی انتظار یک ساله باشد اما برای مردم محلی این میزان به کمتر از ماه برسد.
- وقتی صحبت از تغییر می کنیم باید بتوانیم آینده تغییر را برای جامعه محلی به صورت ملموس ترسیم کنیم.
- همیشه باید ابتکار عمل در انجام فعالیت ها را به مردم و گروه های محلی واگذار کنیم.
- پایش و ارزیابی به موقع در یک طرح محلی به تکمیل و پایداری فرآیند کمک می کند.
- هر اجتماع محلی چند لایه دارد، لایه های کمتر واقعی و کمتر شناخته شده و لایه های بیشتر واقعی و بیشتر شناخته شده، اعتماد سازی بیشتر کمک می کند که به لایه های واقعی تر اجتماع برویم، بازخوردهای واقعی تر بگیریم و تأثیرات مؤثرتری در حل چالش های فرآیند و کمک بهتر به پویایی گروه داشته باشیم.
- گاهی افراد مخالف یک فرآیند در سطح محلی را باید جدی گرفت و با آن ها گفتگو کرد تا به موقع توجیه شوند. عدم توجه به آن ها باعث می شود که علیه فرآیند جبهه گیری کنند.
- بهتر است در مراحل اولیه فرآیندها افراد جدید و غیر تسهیلگر که به کار مرتبط هستند به همراه تسهیلگر وارد روستا شوند.

- مطابق با فرآیند بودن خیلی مهم است. باید دید گروه در کجا و در چه مرحله ای است و به چه چیزی نیاز دارد و در دلسردی با دلگرمی، در ناامیدی با امیدواری، در بی انگیزگی با انگیزه دادن در فرآیند تسهیل کرد.
- همکاری و اعتماد بین دو گروه محلی در یک منطقه به بهتر پیش رفتن مناسبات مشترکشان کمک می کند.

بخش دوم:

درس های آموخته پایلوت ها

۱- فریرود- زیلکه رود

۲- بلیرن

۳- دوهزار- سه هزار

۴- چهل چهل

۱- پایلوت فریرود- زیلکه رود (استان گیلان)

عظیم غلامی (روستای گردپشته):

- پس از آشنایی با پروژه و اهداف آن بیش از پیش متوجه این موضوع شدیم که حفظ جنگل و محیط زیست یک ضرورت برای جامعه امروز می باشد و شغل های جایگزین برای روستاییان و جنگل نشینان و دامداران که سازگار با شرایط اکولوژیکی منطقه باشند می تواند به حفظ جنگل و محیط زیست این مناطق کمک کند.
- دامداری تأثیر مخربی بر روی جنگل دارد و می توان با شغل های جایگزین مثل گردشگری پایدار برای دامداران به حفظ جنگل کمک کرد.
- استفاده از سموم و کودهای شیمیایی در مزارع باعث نابودی محیط زیست و آبریزان شده و سلامت انسان را به مخاطره می اندازد. آموختیم که می توان با استفاده از کودهای حیوانی و روش های

- تلفیقی آفات از استفاده از این سموم و کودهای مضر بی‌نیاز شد و به حفظ محیط زیست کمک کرد.
- مشارکت مردم در حفظ جنگل بسیار مهم است زیرا اگر مردم احساس تعلق به جنگل داشته باشند خود بهترین محافظان جنگل خواهند بود، و اگر در این راستا جنگل نشینان مورد اهمیت بیشتری قرار بگیرند حتماً نتیجه بسیار مطلوب خواهد شد.
- استفاده از داشته‌های موجود به بهترین شکل ممکن در فعالیتهای محلی.
- در تجربه تولید برنج سالم (آی پی ام) متوجه شدم که موفقیت در این فعالیت بیشتر به زمان و توجه و ابتکار خود کشاورز در ارتباط است تا هزینه، در زمینی که به صورت آی پی ام مدیریت می‌کردم زمان بیشتر صرف کردم و زحمت بیشتری کشیدم و محصول بیشتری دریافت کردم اما زمینی که هزینه بیشتری کرده بودم وقت کمتری بر رویش گذاشتم بازدهی کمتری داشت.
- گاهی استفاده از کود شیمیایی منجر به افزایش محصول نخواهد شد

حافظ باقری (روستای بالا براگور):

- تشکیل گروه و کارهای گروهی بهتر از کار فردی می‌باشد.
- تشکیل تعاونی برای مشارکت مردم و سهم مساوی برای هر فرد برای ما در روستا تجربه خوبی بود.
- استفاده از داشته‌ها و بهره‌برداری از آن‌ها و تبدیل خانه‌های روستایی به اقامتگاه بومگردی به عنوان راهی برای ایجاد معیشت جدید و پایدار امکان پذیر شد.
- گفتگو با مردم و حل مشکلات به روش بارش افکار اثربخش است.
- تأثیر تسهیلگری اجتماع محور بهتر از روش‌های آموزشی می‌باشد.
- درگیر کردن و مشارکت دادن مردم بومی و اکثریت جامعه محلی در شغل‌های جایگزین موجب توسعه روستا و حفظ جنگل می‌شود

محمود ضرابی مهر (روستای دیلم ده):

من قبلاً شکارچی بودم ولی بعد از آشنایی با پروژه، کم‌کم علاقه‌ام به شکار کم شد. بیشتر به حفاظت

از آن ها پرداختیم. دست از قاچاق چوب و ضرر زدن به محیط زیست و جنگل برداشتم و به اهمیت جنگل و حیات وحش پی بردم و تصمیم گرفتم به اندازه توان خودم کمک کنم.

۲- پایلوت بلیران (آمل، استان مازندران)

درس آموخته های گروه شوار (روستای بلیران):

محمد غفاری (مشهور به پیرطاهر)؛ پروژه های این چینی را به گروه های غیردولتی بدهید به نظر می رسد دولت در اجرای این گونه پروژه ها دچار مشکل می شود. این پروژه ها را به بخش های غیردولتی بدهید. قطعاً خروجی کار بهتر خواهد بود و تأثیرگذاری بیش تر است. دست آن ها بازتر است و بهتر می توانند در سطح محلی عمل کنند.

پیرطاهر؛ کار جمعی پایدارتر است

برخلاف میل باطنی ام، که عاشق کار فردی بوده ایم، در آموزش ها آموختم که کار جمعی پایدارتر است. و قطعاً در مسیر و اجرا و در پایداری کار گروهی بهتر عمل می کند. اما بسیار سخت است. کار فردی بهتر و سریع تر و نتیجه بخش تر بوده است. اما اکنون کار جمعی را ترجیح می دهم باینکه همسو کردن و همراه کردن آدم ها کار بسیار سخت و دشواری است. در هر پروژه ای اختلاف سلیقه ها باعث اختلاف و چالش های بسیاری بین افراد می شود، اما با ایجاد اتاق فکر قطعاً راه کارهای بهتری برای این چالش ها پیدا می شود. ضریب اشتباهات کمتر می شود. اما به علت نبودن آموزش اولیه، مردم ما کمتر کار گروهی بلد هستند. کند پیش رفتن باعث پایداری گروه هم باشد هر چند مسیر هم بسیار دشوار خواهد بود.

بانو نبی نیا؛

روستای بلیران یکی از روستاهای پایلوت پروژه چندمنظوره جنگل هیرکانی می باشد. با ورود این

پروژه به منطقه ما و گذاشتن جلسات متعدد و کارگاه های آموزشی و انجام یک سری بازی ها ما با مفهوم گروه آشنا شدیم و فهمیدیم چطور برخی از تصمیمات با گروه نتایج بهتری خواهیم گرفت، وقتی گروه خودمان (شوار) را تشکیل دادیم به طور جمعی این تصمیم گرفته شد که کرچال بافی که در گذشته انجام می شد را مجدد احیا کنیم و این کار نتیجه خوبی برای ما داشت که توانستیم در حال حاضر با کمک پروژه هیرکانی یک کارگاه صنایع دستی احداث نماییم که بدون داشتن گروه امکان پذیر نبود. یاد گرفتیم که به محیط زیست و حیات وحش منطقه احترام بگذاریم، همان طور که گذشتگان ما با صنایع خود به محیط زیست احترام می گذاشتند و زباله تولید نمی شد و درآمد برای امرار معاش نیز داشتند. ما یاد گرفتیم که اهمیت جنگل در زندگی ما چقدر زیاد است و اگر جنگل نابود شود زندگی بومیان نابود می شود و مجبور به کوچ از منطقه می شوند. یاد گرفتیم که با جنگلداری اجتماعی و دخیل کردن بومیان در حفاظت می توان جلوی قاچاق چوب را گرفت و می توان از جنگل بهره برداری های بهتر و بیشتری انجام داد مانند پرورش قارچ گران قیمت، زنبور عسل و ...

بانو نبی نیا؛ تشکیل صندوق

ما در گروه خودمان صندوقی تشکیل دادیم چون آموختیم با پول فردی و کم نمی توان کاری انجام داد ولی با پس انداز کردن و ذخیره پول می توان پول مورد نیاز برای انجام طرح را به دست آورد.

بانو نبی نیا؛ جایگاه کار گروهی

کار گروهی در برخی جاها بسیار خوب عمل می کند مانند تشکیل صندوق کرچال بافی، ولی در تولید لبنیات کار فردی بهتر جواب می دهد و برخی مشکلات کار گروهی را ندارد مثلاً اگر یکی از افراد گروه در تولید کار خود را به درستی انجام ندهد امکان خراب شدن محصول وجود دارد.

بانو نبی نیا؛ اعتماد سازی

با تشکیل گروه و معاشرت با مردم روستا بیشتر با خلق و خوی هم آشنا شدیم و اعتماد ما به یک گروهی از افراد زیاد شد و البته از بعضی از افراد هم سلب شد، یعنی از کسانی که موجب سنگ اندازی

در کارها می شوند، از آن ها خواستیم که گروه را ترک کنند.

بانو نبی نیا؛ اعتماد به نهادهای دولتی

ما متوجه شدیم وقتی تبدیل به گروه می شویم صدای ما بهتر شنیده می شود و با گذاشتن جلسات متعدد با مقامات و دولتی ها و ارتباط بی واسطه با آنان اعتماد ما بیشتر شده و خوش بین تر شدیم نسبت به عملکرد آنان.

بانو نبی نیا؛ برگزاری کارگاه های آموزشی

کارگاه آموزشی تسهیلگری مفید بوده والان خودم می توانم یک تسهیلگر در روستا باشم. کلاس های آموزشی کرچال بافی بسیار آموزنده بود و توان افراد گروه برای بافت و تولید را بالا برد.

بانو نبی نیا؛ بازدید از مناطق دیگر

ما با بازدید از نقاط دیگر خصوصاً بازدید از سوادکوه یاد گرفتیم می توانیم گردشگری را با توجه به توان و امکانات خودمان شروع کنیم حتی با داشتن یک تالار می توان طبیعت گردی را انجام داد و این گردشگری باید همسو با طبیعت باشد و به محیط زیست آسیب وارد نکند.

فاطمه رشیدی؛

در این پروژه که ما چند وقتی وارد آن شده ایم یاد گرفتیم که به صنایع دستی خود اهمیت بدهیم و کارهای سنتی مانند کار با کرچال و چل (دستگاه نخریسی) را یاد گرفتیم با بازدید از مناطق دیگر درس های زیادی یاد گرفتیم. یاد گرفتیم چگونه از محیط زیست خود استفاده و آن را آلوده نکنیم، با تشکیل گروه و تعاونی بخشی از مشکلات ما حل شد. اتحاد و برابری و برادری ما بیشتر شد، اعتماد ما به سازمان منابع طبیعی بیشتر شد. آداب و رسوم مناطق دیگر را با سفر به آنجا یاد گرفتیم. یاد گرفتیم می توانیم با اعتماد کارهایی مثل صنایع دستی و گردشگری را در مناطق خودمان نیز انجام دهیم و در کل بعد از آمدن پروژه در منطقه خودمان راضی هستیم و حضور تسهیلگران در منطقه ما

خوب بود و موجب شد که ما همکاری بیشتر داشته باشیم.

بنین نبی نیا؛

آمدن پروژه به منطقه ما موجب شد تا ما به محیط زیست خود بیشتر اهمیت بدهیم و بدانیم چقدر این منطقه مورد اهمیت گردشگری است و ما می‌توانیم از آن درآمد کسب کنیم. با راه‌اندازی کارهای سنتی مانند پارچه‌بافی باکرچال سعی کردیم منابع درآمدی برای خودمان جور کنیم و بازدید از مناطق موفق دیگر مثل مینودشت و یا بازدید از کارگاه آقای مهدی زاده بسیار برایمان مفید بود و به ما اعتماد بیشتری داد تا با قوت بیشتر به کار ادامه دهیم، ما یاد گرفتیم با اتحاد باهم می‌توانیم صنایع دستی و گردشگری را در منطقه خود رونق دهیم.

بنین نبی نیا؛ مفهوم گروه

از ابتدا چون کارها را به صورت فردی انجام می‌دادیم اصلاً در فکر تغییر تولید نبودیم و همان تولید محصولات لبنی به صورت سنتی خودمان را داشتیم ولی با تشکیل گروه به این فکر کردیم که چه کاری می‌توانیم انجام دهیم که هم پرسودتر باشد و هم سختی کار دامداری را نداشته باشد و ضرر به طبیعت هم کمتر شود، با همفکری هم تصمیم گرفته شد که سنت قدیمی خودمان یعنی پارچه‌بافی را احیا کنیم که ۷۰ سال پیش مادر بزرگ‌هایمان می‌بافتند، و تصمیم گرفتیم برای یادگیری، دوره آموزشی برگزار کنیم و در نهایت کارگاه و محل فروش برای صنایع دستی احداث کنیم و این امر میسر نمی‌شد اگر ما تشکیل گروه نمی‌دادیم و همدل نمی‌شدیم.

بنین نبی نیا؛ تقسیم وظایف

با شروع تولید و بافت پارچه، برای فروش محصولات، ما با مشکل مواجه شدیم و متوجه شدیم یکسری از افراد باید در این حوزه فعالیت کنند و این طوری کارها راحت‌تر انجام می‌شود و بخشی از مشکلات مرتفع می‌شود.

بنین نبی نیا؛ تشکیل صندوق

تشکیل صندوق موجب شد که پول های خرد در گروه جمع شود و با جمع آن بتوانیم به طرح های گروه وام دهی کنیم و وسایل مورد نیاز جهت کر چال بافی و دوره های آموزشی برای گروه برگزار نماییم.

بنین نبی نیا؛ اهمیت جنگل

قبل از آشنایی با پروژه هیرکانی به جنگل احساس تعلقی نداشتم ولی با ورود پروژه و داشتن جلسات متعدد به اهمیت جنگل در زندگی بومیان و منطقه واقف و احساس می کنیم اگر اتفاقی برای جنگل بیافتد زندگی ما در معرض خطر قرار می گیرد والان احساس تملک به جنگل دارم و سعی می کنم توجه بیشتری در این خصوص به خرج دهم.

بنین نبی نیا؛ نگرش به سازمان ها

من فکر می کنم طرح های مانند پروژه هیرکانی برای شناساندن اهمیت جنگل و حیات وحش برای ساکنین منطقه مفید می باشد. به نظر من بهتر است این طرح ها در منطقه بیشتر اجرا شود و این موجب اعتماد سازی میان مردم و سازمان ها می شود.

بنین نبی نیا؛ حضور بومیان در فرآیند کار

در فرایند پروژه یاد گرفتیم که اگر بومیان هر منطقه در فرآیند دخیل شوند بهتر از افراد خارج از منطقه عمل می کنند زیرا بومیان برای منطقه خودشان بیشتر دلسوز هستند تا سرمایه گذار، و این افراد بیشتر به فکر کسب سود هستند تا حفاظت منطقه.

بنین نبی نیا؛ بازدید از نمونه های موفق

رفتن به مناطق مختلف و استفاده از تجربه های دیگران موجب شد کارهای خود را بهتر روبه جلو ببریم و همین طور ایده های خوبی را در طرح های خودمان پیاده کنیم.

بنین نیبیا؛ شناخت پتانسیل منطقه

با ورود پروژه هیرکانی متوجه شدیم چقدر منافع زیادی در جنگل وجود دارد و ما از آن استفاده نمی کنیم مانند پرورش قارچ در جنگل، برداشت گیاهان دارویی همچنین گردشگری متمرکز و پراکنده در جنگل که می تواند منافع زیادی برای روستا داشته باشد و باید برای آن برنامه ریزی انجام دهند.

زهره دریاباری و رقیه ارجمندی؛ مفهوم گروه

با ورود پروژه هیرکانی به بلیران از جنبه های مثبت قضیه می توان بیان کرد که موجب شد ما گروه و صندوق تعاونی شکل دهیم به نام گروه شوار، که ماحصل آن ایجاد کارگاه برای گروه بود. با همفکری هم صنایع گذشتگان را احیا نمودیم و به یاد گذشته که چطور مادر بزرگ های ما با دستگاه های قدیمی کار می کردند.

زهره دریاباری و رقیه ارجمندی؛ برگزاری همایش ها و کارگاه ها و بازدید از مناطق مختلف

همایش حفاظت از مرال موجب شد که ما به اهمیت حیات وحش منطقه خود پی ببریم و اینکه چطور با تخریب زیستگاه زندگی آنان در خطر می باشد. الان ما به شدت به منطقه خود و جنگل حساس شده ایم و حفظ آن را جزئی از زندگی و کار خود می دانیم، چون فهمیدیم این جنگل برای ماست و اگر نبود شود بیشتر از همه خودمان ضرر خواهیم کرد.

در بازدید از مناطق دیگر پروژه مانند چهلچای، یاد گرفتیم چطور می توان با امکانات کم و دارایی های خودمان شروع کنیم و کار را توسعه دهیم.

با گروه های مختلف در پروژه هیرکانی آشنا شدیم و دیدیم چطور گروه های دیگر از منابع طبیعی خودشان استفاده می کنند.

با بازدید از کارگاه صنایع دستی آقای مهدی زاده با تقسیم وظایف آشنا شدیم و دیدیم چطور عده ای

خانم در کنار هم به طور مستمر در حال بافت و تبدیل پارچه به صنایعی دیگر مثل کیف و ... هستند و در گروه خودمان افراد را به چند کارگروه تقسیم کردیم که هرکدام وظایف خود را به خوبی انجام دهند.

زهره دریاباری و رقیه ارجمندی؛ اعتماد و همدلی در محل

قبل از تشکیل گروه ما باهم جلسه برگزار نمی کردیم و رفت آمد ما محدود بود ولی با گذاشتن جلسات و بیان مطالب در خود گروه احساس همدلی و همراهی ما بیشتر شده است و احساس می کنیم اگر کسی بخواهد طرحی و یا کاری را شروع نماید همه افراد آن را حمایت می نمایند.

زهره دریاباری و رقیه ارجمندی؛ اعتماد به دستگاه های دولتی

با توجه به جلسات متعددی که با دستگاه های دولتی داشتیم تمامی صحبت ها در حرف خلاصه می شود و همچنان عملی دیده نمی شود حتی با مطالبه گری و این موجب دلسردی بومیان نسبت به دستگاه های مختلف و عدم اعتماد آنان می شود.

زهره دریاباری و رقیه ارجمندی؛ اهمیت و نقش بومیان

با ورود پروژه هیرکانی بومیان منطقه دیده شدند و این به ما احساس اعتماد به نفس داد و اینکه در کار و طرح نظر ما خواسته شد و دیده شدیم.

زهره دریاباری و رقیه ارجمندی؛ احساس قدرت و اعتماد به نفس

با تشکیل گروه شوار از اینکه می توانیم مستقل از مردان عمل کنیم و احساس قوی بودن می نمایم اینکه بخواهیم کاری را انجام دهیم می توانیم و در مسائل مربوط به روستا فعالانه تر می توانیم عمل کنیم.

خاطره طبری؛

با آمدن این پروژه مشکلات دامداران بیشتر شد مثلاً با طرح پارک فشار به دامداران بیشتر شده است و یا با طرح حفاظت مرال و بیرون کردن دامداران از منطقه امنیت آنجا پایین تر آمده است.

خاطره طبری؛ تشکیل صندوق تعاونی

گروه شوار با تشکیل صندوق تعاونی و تدوین اساس نامه توانست عملکرد مالی خوبی داشته باشد و بتواند با ایجاد مشاغل خانگی و خرد به زنان روستایی کمک نماید.

خاطره طبری؛ طرح جنگلداری اجتماع محور

با آمدن طرح جنگلداری اجتماع محور و توضیح آن به مردم نشان داده شده که در این طرح دامداران در کنار فعالیت دامداری می توانند کار گردشگری و پرورش زنبور عسل و... برای راه حل جایگزین درآمدی اقدام نمایند که ایده بسیار خوبی است و هرچند در اجرا باید دید چگونه می شود آن را اجرایی کرد.

خاطره طبری؛ بازدید از کارگاه صنایع دستی

بازدید ما از صنایع دستی منطقه بابل کنار خیلی خوب بود و یاد گرفتیم چطور در گروه با تقسیم کار می شود مراحل مختلف کار را پیش برد برنامه آموزشی آقای مهدی زاده و یادگیری کرچال بافی تجربه خیلی خوبی برای ما بود و نیازمند آن هستیم که این آموزش ها به طور مستمر و دوره ای انجام شود.

خاطره طبری؛ فعالیت گردشگری

احیای کلبه گردشگری مسلم با همکاری منیر خانم موجب شد به این فکر بیاقتیم که ما هم می توانیم حداقل اتاق هایی از خانه را برای اجاره به گردشگران در نظر بگیریم و این کار نیازمند داشتن گروه گردشگری منسجم است تا فعالیت ها را به طور مداوم رصد و برنامه ریزی نماید.

خاطره طبری؛ تعارض با سازمان منابع طبیعی

با توجه به اینکه سال های متمادی تعارض میان بومیان و منابع طبیعی وجود داشته این سازمان هنوز هم نتوانسته راه حل درستی برای حل مشکلات دامداران و زمین های منطقه اتخاذ نماید و این فرایند اعتماد سازی را مختل می نماید.

مهین حسن زاده؛

اتفاق خوبی در بلیران افتاد، کار گروهی ما خیلی خوب بود، ما یاد گرفتیم می توانیم در روستا صندوق تعاونی تشکیل دهیم و با وام گیری از صندوق، طرحی یا کاری برای اشتغال زایی ایجاد کنیم، گروه ما تصمیم گرفت که کار کرچال بافی در روستا ایجاد کند و سنت قدیمی که مادرانمان انجام می دادند را زنده کردیم و می توانیم به بچه های خود یاد دهیم، گردشگران در بلیران تخریب می کنند و فقط زباله می ریزند، در گذشته و پیش از ورود پروژه این زباله ها در طبیعت رها می شد ولی الان با ایجاد ایستگاه ورودی به محل، زباله ها توسط یک سری از افراد جمع آوری شده و وضعیت بهتر شده است. ما یاد گرفتیم می توانیم همان کارهایی که همیشه انجام داده ایم (پخت نان، مربای تمشک، کنس دشو و...) با بسته بندی مناسب به گردشگران در محل خودمان بفروشیم و کسب درآمد کنیم.

۳- پایلوت دوهزار و سه هزار

خانم فهیمه شفیعی؛

از سال ۹۴ با پروژه هیرکانی آشنا شدم و در چندین جلسه و کارگاه شرکت کردم و با اهداف پروژه آشنا شدم و متوجه شدم تمام جلسات که برگزار می شود برای هدف اصلی کمک به جنگل و احیای آن می باشد و برای اینکه بتوانیم به جنگل کمک کنیم اول باید روی معیشت پایدار همسو با طبیعت تلاش کنیم و این مستلزم یک فهم مشترک از ذینفعان است و برای رسیدن به این فهم لازم است که با جامعه محلی که همان ذینفعان منابع مشترک محسوب می شوند تعامل و گفتگو کنیم و اگر قرار است یک اتفاق خوب بیافتد از فرد محوری به جامعه محوری سوق داده شویم و من آموختم که در روستا یوج باید تمام مردم به این فهم برسند.

برای نگهداری از این منابع باید همه دغدغه مند باشند و چگونگی درست استفاده کردن از منابع را یاد بگیرند و هم در حفظ و نگهداری از آن کوشا باشند.

من از زمانی که با پروژه آشنا شدم متوجه اتفاق های ضد محیط زیستی در منطقه شدم و سعی کردم با

حساسیت تمام با آن‌ها مقابله کنم و موضوع معدن‌کاوی یکی از مسائل مهم منطقه سه هزار محسوب می‌شود و بزرگ‌ترین تخریب زیست‌محیطی را در بردارد. من آموختم که داشته‌های ما خیلی با ارزش هستند و باید تلاش کنیم به نابودی و فراموشی سپرده نشوند.

خانم مریم شفیعی؛

من رسماً از سال ۹۵ طی سفر به سوادکوه با پروژه هیرکانی آشنا شدم. بهترین و شاید مهم‌ترین اتفاقی که در سوادکوه برای ما افتاد این بود که ایده‌ای که سال‌ها پیش در ذهن داشتیم و در اجرایش تردید داشتیم توسط گروهی از جوانان روستایی به بهترین شکل ممکن در حال اجرا بود و این گروه موفق شده بود که در استفاده پایدار از منابع اقدامات مناسبی را انجام دهد و درآمد قابل توجهی برای خانوار روستایی خویش به همراه آورد. از همان جا ایده تشکیل گروه گردشگری بومگردان سه هزار در ذهنمان شکل گرفت. هرچند بعد از گذشت سه سال از آن ماجرا هنوز در ابتدای راه هستیم و تا رسیدن به اهدافمان فاصله زیادی داریم ولی خرسندیم که با کمک پروژه این فرآیند شکل گرفته است و در این مدت اتفاقات خوبی در سطح روستا و بومگردی منطقه افتاده و خانه‌های بومگردی دیگری در سطح روستای یوج و منطقه سه هزار در حال افتتاح هستند.

بعد از سفر سوادکوه به دلیل جذابیت‌های کار و اهداف پروژه به‌طور مستمر با مشاوران و تسهیلگران آن تعامل داشتیم و نکته جالب و متفاوت این نشست‌ها و جلسات با سایر جلسات در نظر گرفتن و دیده شدن و مشورت با آدم‌هایی است که قرار است برایشان تصمیم‌گیری شود. این نگاه پایین به بالا و مشورت در همه امور با ذینفعان سبب همراهی و همدلی می‌شود.

همین دیدگاه سبب تشکیل شرکت تعاونی در روستای یوج با بیش از ۶۰ عضو (باوجود سوابق بد شرکت‌های تعاونی قبلی در منطقه و روستا) در زمینه فعالیت‌هایی همچون گردشگری، کشاورزی، دام‌پروری و ... که انتخاب خود جوامع محلی بوده است شد.

با همراهی این پروژه همگی دریافتیم برای اینکه درآمدی ماندگار از منابع طبیعی و محیط‌زیست

داشته باشیم باید منابع پایداری داشته باشیم و برای پایداری منابع بایستی برای حفظ و حراست از آن کوشید و به دنبال راهی باشیم که کمترین آسیب را به آن وارد کند که اعتراض مردمی به تأسیس معدن در منطقه نمونه کوچکی از آن بود.

۴- پایلوت چهلچای

روستای قلعه قافه بالا (مینودشت)

آمنه شهرمادی؛ کارگروهی موفق تر از فردی است.

در ابتدا که تولید صنایع دستی فردی داشتیم در ابتدا فکر می کردیم خیلی خوب است. اما بعد از مدتی خسته شدیم و پول تهیه مواد اولیه نداشتیم و نمی توانستیم محصولات را به فروش برسانیم و مشکلات زیاد شد. تصمیم گرفتیم کارگاه بزنیم و گروهی کارکنیم. برای نمایشگاه شروع به تولید کردیم. از پول صندوق مواد اولیه تهیه کردیم و توانستیم در ۳ نمایشگاه شرکت کنیم و تمام تولیداتمان را به فروش برسانیم. همیشه برای شرکت در نمایشگاه مشکل داشتیم. اما وقتی کارگروهی شد در هر نمایشگاه دو نفر از بچه ها شرکت کردند و به کسی فشار وارد نشد. از تجربه کارگروهی در کارگاه تصمیم به اداره یک اقامتگاه بومگردی به صورت گروهی گرفتیم و در یک سال تجربه موفق از کار گروهی داریم.

فاطمه زهرا شهرمادی؛ پس انداز

در ابتدا نمی دانستم منظور از تشکیل صندوق خرد محلی چیست و چه فایده ای دارد. یک سال به سختی و خیلی نامنظم پول خیلی ناچیزی را در صندوق گذاشتیم و همیشه هم غر می زدیم که چرا این کار را باید انجام دهیم. اما بعد از اینکه کارگاه را تشکیل دادیم و مواد اولیه مورد نیاز را از پول صندوق خریدیم و درصدی از فروشمان را دوباره به صندوق برگردانیدیم متوجه شدم پس اندازهای کوچک اما مستمر چقدر می تواند مفید باشد. من پس انداز کردن گروهی را یاد گرفتم.

فاطمه خواجه؛ شناسنامه‌دار کردن تولیدات

در نمایشگاه وقتی دیدم مردم از داستان ما و اینکه ما که هستیم و چگونه این تولیدات را انجام داده‌ایم چقدر لذت می‌برند و چقدر مشتاق می‌شوند که بیشتر بدانند و خرید می‌کنند و ارزش کارهایمان را بیشتر متوجه می‌شوند، یاد گرفتم که کارهایمان باید معرفی‌نامه یا شناسنامه داشته باشند و در این معرفی‌نامه هم گروه‌مان را معرفی کنیم و هم هدفمان را شرح دهیم.

فاطمه خواجه؛ مفهوم تقسیم‌کار

در جلسات زیادی تسهیلمان تلاش کردند ما این مفهوم را درک کنیم اما وقتی اولین گروه میهمان‌هایمان به اقامتگاه بومگردی آمدند و ما مشکلات زیادی در انجام کارها داشتیم متوجه اهمیت کارها شدیم. متوجه شدم نظافت به اندازه مزه غذاها و به اندازه برخورد با میهمانان اهمیت دارد. برای دفعات بعد وظایف را تقسیم کردیم و سهم برابر برای همه در نظر گرفتیم. همه کارها بانظم انجام شد. لبخند میهمان‌هایمان و آرامش خودمان نشان از درستی کارمان می‌داد.

فاطمه خواجه؛ همه چیز پول نیست

وقتی ذوق و اشتیاق و تلاش گروه تسهیلمان را برای حفظ جنگل‌هایمان دیدم و وقتی در تمام مراسم‌ها و جلسات ما پرتلاش‌تر از ما مشارکت می‌کردند ایمان آوردم که همه کارها برای به دست آوردن پول نیست. عشق باید داشته باشی و عاشق جنگل‌هایمان شدم.

فیروزه میردار؛ محصولات فرعی جنگل به جای چوب

از وقتی به نمایشگاه رفتم و دیدم که همه محصولات جنگلی را می‌توان هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم عرضه کرد به اهمیت جنگل و نگهداری آن در بهبود وضعیت معیشت خانواده‌ام پی بردم و متوجه شدم فقط چوب درختان نیست که ارزش اقتصادی دارد. قبلاً فکر نمی‌کردم محصولات جنگل قابل فروش باشند. اما با دیدن نمایشگاه هم یاد گرفتم چطور محصولات را قابل عرضه کنیم و هم یاد گرفتم از جنگل محافظت کنیم تا از محصولات فرعی آن بتوانیم نفع به تمام روستاییان برسانیم.

شمسی میردار؛ تأثیر رقابت در بهبود کیفیت تولید

همیشه فکر می‌کردم نباید افراد جدید را وارد گروه کنیم اما از وقتی آمنه یک گروه جداگانه برای تولید صنایع دستی تشکیل داد و باعث شد ما بیشتر به تولید و بررسی راهکارهایی برای بهبود کیفیت و راندمان بالا فکر کنیم. این اتفاق باعث شد یاد بگیرم رقابت باعث بهبود کیفیت و انگیزه بیشتر برای تولید است.

شمسی میردار؛ نقش ما در حفاظت جنگل‌ها

من قبلاً اصلاً متوجه نمی‌شدم حفاظت از جنگل‌های هیرکانی چطور می‌شود به دست ما انجام شود. بعد از برگزاری اولین کارگاه آموزشی اکوتوریسم در اقامتگاه بومگردی تیلاق و صحبت‌های زیادی که با بچه‌های گردشگر داشتیم و سؤالاتی که آن‌ها پرسیدند من ایده‌ای به ذهنم رسید برای اینکه مانع از ورود دام‌ها به جنگل شویم و بعد از آن هر روز بیشتر دانستم که نقش ما و میزان آگاهی ما چقدر در حفظ جنگل‌هایمان مهم است.

آمنه کوهی؛ اهمیت کیفیت و کارآمد بودن صنایع دستی

با شرکت در نمایشگاه بین‌المللی صنایع دستی در تهران من برای اولین بار محصولات و تولیدات شهرها و روستاهای دیگر استان‌های کشور را در یکجا دیدم و متوجه شدم چقدر کیفیت و کارآمدی جنس تولیدشده اهمیت دارد. بعد از آن با دوستانم مشورت کردیم و تولیداتی را که کارایی نداشتند حذف کردیم و به جای آن فکر کردیم که چه تولید کنیم که به کار آید و در عین حال کیفیت خوبی داشته باشد و قابل رقابت در بازار باشد.

الهام شهمرادی؛ اهمیت حفظ لباس‌های سنتی

از بچگی دیگر لباس‌های سنتی را تن نکرده بودم. با اینکه مادرم لباس‌های بسیار زیبایی برای من و خواهرم دوخته بود اما در صندوقچه بودند و استفاده نمی‌شدند. حقیقت این بود که ما خجالت می‌کشیدیم آن‌ها را بپوشیم و از آن‌ها خوشمان نمی‌آمد. اما با ورود پروژه و صحبت همیشگی آن‌ها راجع به زیبایی لباس‌هایمان و اهمیت حفظ این فرهنگ و سنت بومی لباس‌ها را درآوردیم اما

نپوشیدیم. در نمایشگاه برای اولین بار خانم‌ها و آقایانی را دیدیم از استان‌ها و شهرهای مختلف که لباس‌های بومی محلی را پوشیده بودند و با افتخار راجع به آن‌ها صحبت می‌کردند. من و دوستانم تصمیم گرفتیم در نمایشگاه‌ها و در اقامتگاه‌ها حتماً آن را بپوشیم و به آن افتخار کنیم.

آمنه کوهی روستای قلعه قافه بالا؛ درک اهمیت کار گروهی

همیشه فکر می‌کردم کار به صورت انفرادی اگر انجام شود نتیجه بهتری خواهد داشت. هرگاه تیم تسهیلگری به روستای ما می‌آمدند و جلسه داشتیم و در جریان کار، گروه آن‌ها را می‌دیدم و از اینکه هر کدامشان بخشی از کار را انجام می‌دهند و کارهایشان رأس ساعتی که می‌خواستند به اتمام می‌رسید، با خود گفتم حتماً کار گروهی بهتر است که چهار سال است این‌ها گروهی پیش ما می‌آیند و بالاخره هم موفق شده‌اند و گروه ما شکل گرفته است. به این باور رسیدم که کار گروهی بهتر نتیجه می‌دهد و آن را با تشکیل گروه تولید صنایع دستی امتحان کردم.

روستای کفش محله

بتول میردار؛ تغییر الگوی کشت

از روندی که پروژه طی کرد در طی سه سال و همه تلاش‌هایی که کردیم و شاید برخی به نتیجه نرسیدند و فقط موفقیت‌های مقطعی داشتند ما در نهایت به تغییر الگوی کشت روی آوردیم و خدا را شکر، موفق شدیم. با اینکه هنوز دو سال است به کشت زعفران و گیاهان دارویی روی آورده‌ایم اما میزان درآمد حاصل از آن به تغییر وضع زندگی مان منجر شده و علاوه بر آن، هر سال نیازی نیست زمین‌ها را شخم بزنیم و به حفظ خاک هم کمک می‌کنیم.

بتول میردار؛ موفقیت فقط در گروهی کار کردن است.

از وقتی که تسهیلگران ما را به سمت تولید گروهی صنایع دستی هدایت کردند متوجه شدم چقدر کارها بهتر و نتیجه‌بخش‌تر انجام می‌شوند. در آن روزها ما تولیدات گروهی مان را بهتر می‌توانستیم

به فروش برسانیم چون خریدارها هم لذت بیشتری می بردند وقتی متوجه می شدند این محصول گروهی تولید شده است. اکنون که به کشاورزی مشغولم همچنان معتقدم کار گروهی بهتر نتیجه می دهد و گروهی خانوادگی دارم و به فرزندانم همواره این را یادآور می شوم.

زهراکوهی (گروه دارکوب سیاه)؛

یاد گرفتم که همه چیز را برای خودمان نخواهیم. این درس بزرگ را از خانه ناخدا گرفتم. اما ماجرای خانه ناخدا از کجا شروع شد؟ من چون عضو گروه دارکوب سیاه بودم این فرصت پیش آمد که به قشم بروم. دیدن تجربه های گروه های دیگر جالب و آموزنده بود. ناخدا تنها به فکر خودش نبود بلکه دغدغه همه مردم روستا را داشت. ناخدا می گفت هیچ گردشگری تابه حال در خانه من شام نخورده است، چون اگر ناهار میهمان من بود برای شام به خانه دیگر اهالی روستا باید می رفت.

تابه حال حیوانات و محیط زیست برای من اهمیتی نداشتند اما از وقتی در قشم فعالیت و حساسیت مردم نسبت به لاک پشت های پوزه عقابی را دیدم و داستان حفاظت ده ساله شان را شنیدم، برایم مهم شده اند. باید برای حفظ قرقاول ها و کبک ها کاری کنیم.

روستای ده چناشک

شهر بانو طوسی؛

تعریف «گروه» و کار گروهی را یاد گرفتم. توانایی های خودم را شناختم و به خودم ایمان پیدا کردم و توانستم خودم را به خانواده نیز ثابت کنم و اعتماد آن ها را جلب کنم. تغییر الگوی کشت را من از پروژه یاد گرفتم و متوجه شدم کاشت گندم و جو شخم هر ساله ما چه آسیبی به زمین و خاک و پوشش گیاهی منطقه می زند. جنگل را دیدم و شناختم و متوجه شدم حفاظت از این جنگل چقدر اهمیت دارد. یاد گرفتم از ابتدا يك محصول جدید را به صورت عمده وارد نکنم بلکه ابتدا کشت آزمایشی انجام دهم و اگر نتیجه خوبی داشت آن ها را گسترش دهم. یاد گرفتم کشت تک محصولی نداشته باشم و چندین

محصول را در زمین هاییم بکارم و این باعث شده اقتصاد خانوادهام خیلی تغییر کند. پس انداز کردن و تأمین هزینه های کارهای گروهی را از طریق تشکیل صندوق های خرد یاد گرفتیم. بالاینکه از ابتدا فکر می کردم این صندوق شکست می خورد اما اکنون ما سه صندوق در روستا داریم و بسیاری از مشکلات مالی کشاورزان عضو صندوق ها با همین پول های کم حل می شود.

شهر بانو طوسی؛ از شکست نترسیم

از ابتدا که پروژه وارد روستای ما شد و گروه ارویس شکل گرفت، ما کارهای بسیاری انجام دادیم و شکست خوردیم. ابتدا صنایع دستی و نمد تولید کردیم و در فروش به مشکل خوردیم نتوانستیم ادامه دهیم. بعد از آن وارد گردشگری و احداث اقامتگاه بومگردی شدیم اما در آنجا هم نتوانستیم. با همراهی دائمی تسهیلگران و صحبت ها و جلسات به کشت زعفران و گل گاوزبان رو آوردیم و کم کم و در طی سه سال تلاش طعم خوش پیروزی را چشیدیم. یاد گرفتیم از شکست ها ناامید نشوم و راه های دیگر را امتحان کنم.

لیلا طوسی؛ ده چناشک

صنایع دستی از بین رفته بود. با آمدن پروژه، دوباره تولید صنایع دستی را شروع کردیم. تولید لباس محلی، پادری، سفره قند را شروع کردیم. اما بعد از مدتی فروش محصولات ما سخت شد. ولی گروه را حفظ کردیم. صندوق را ابتدا با ۵ هزار تومان و یک حق ورودی ۵۰ هزار تومانی شروع کردیم. الآن خوب پیش رفته است و به جایی رسیده که به اعضا وام می دهیم. تولید صنایع دستی و کار گروهی و درست کردن صندوق برای آینده خودم، گروه و روستا می تواند خوب باشد و پایدار بماند.

پیوست ۱

معرفی پایلوت های پروژه

پایلوت فریرود-زیلکی رود در استان گیلان (حوزه ۲۲ و ۲۳):

مساحت این حوزه حدود ۳۰ هزار و ۳۱۱ هکتار است که ۹۲ درصد آن دارای چشم انداز جنگلی و بقیه دارای چشم انداز مرتعی و کشاورزی است. موقعیت جغرافیایی این حوزه شهرستان های رودبار و سیاهکل در جنوب استان گیلان می باشد. گونه های مهم جانوری آن خرس قهوه ای، پلنگ، شنگ، مرال و شوکا، و گیاهی شمشاد، سرخدار، انجیلی، گیلای وحشی، بارانک و ملج هستند. جمعیت این حوزه جمعیت ۱ هزار و ۳۲۴ نفر در قالب ۳۸۴ خانوار و ۲۰ روستای دایمی و موقت می باشد. تولید چوب در اراضی کشاورزی، برنجکاری، دامداری، باغداری و کشاورزی ارگانیک از منابع مهم درآمد مردم محلی هستند.

مهمترین عوامل تهدیدکننده چشم انداز جنگلی و تنوع زیستی آن در این حوزه عبارتند از: شاخه زنی، کت زنی، برداشت بیرویه چوب برای مصارف روستایی، پسماند روستایی، چرای بیرویه دام، شکار غیرمجاز و حریق در جنگل.

پایلوت دوهزار-سه هزار در استان مازندران (حوزه ۳۳ و ۳۴):

مساحت این حوزه ۷۶ هزار و ۱۱ هکتار است اما تنها حدود نیمی از منطقه دارای پوشش جنگلی می باشد. این حوزه در جنوب شهرستان تنکابن، غرب استان مازندران واقع است. گونه های مهم جانوری آن خرس قهوه ای، پلنگ، سیاه گوش، شنگ، مرال، شوکا، پازن و گیاهی شمشاد، سرخدار، انجیلی و ملج می باشد. جمعیت حوزه ۴ هزار و ۷۷۶ نفر در قالب ۱ هزار و ۱۴۹ خانوار و ۶۰ روستای دائمی و موقت می باشد. منبع عمده معیشت در این منطقه فعالیت های توریستی است. منبع مهم دیگر درآمد در منطقه فعالیت های دامداری است که در اغلب روستاها رایج است که اغلب به جنگل

وابسته است. در روستاهای پایین بند منطقه کشت برنج و باغات مرکبات، کیوی و چای وجود دارد. مهمترین عوامل تهدیدکننده چشم‌انداز جنگلی و تنوع زیستی آن در این حوزه عبارتند از: احداث جاده، گسترش ویلاسازی، ساخت و ساز بی‌رویه، بهره‌برداری از معدن، دیپوی زباله، برداشت غیرمجاز از منابع جنگل، چرای بی‌رویه، توسعه استخرهای پرورش ماهی، رها شدن انواع پسماند، گردشگری ناپایدار در منطقه و شکار غیرقانونی

پایلوت بلیران در استان مازندران (حوزه ۵۳):

مساحت این حوزه ۲۰ هزار و ۶۰۵ هکتار بوده و در جنوب شهرستان آمل استان مازندران و میانه جنگلهای هیرکانی واقع می‌باشد. این حوزه، زیستگاه گونه‌های مهم بین‌المللی جانوری شامل پلنگ، خرس، شوکا، مرال و شنگ و گیاهی شامل شمشاد، آزاد، ملج، گیلاس وحشی و بارانک است. جمعیت این حوزه ۱۳ هزار و ۵۸ نفر در قالب ۲ هزار و ۴۰۲ خانوار و ۹ روستا است. کشاورزی و دامداری دو ممر عمده درآمد ساکنین است.

مهمترین عوامل تهدیدکننده چشم‌انداز جنگلی و تنوع زیستی آن در این حوزه عبارتند از: سرشاخه‌زنی، کت‌زنی، قطع درختان، چرای دام، وجود دامسرا به صورت پراکنده در کل حوزه، شکار بی‌رویه، حضور متراکم گردشگر در حاشیه روستاها

پایلوت چهل‌چای در استان گلستان (حوزه ۹۲):

مساحت این حوزه ۲۵ هزار و ۶۸۰ هکتار بوده و اغلب آن کوهستانی است. این حوزه در جنوب شهرستان مینودشت در استان گلستان و شرق جنگلهای هیرکانی واقع می‌باشد. این حوزه زیستگاه گونه‌های مهم بین‌المللی از جانوری و گیاهی شامل پلنگ، خرس و شوکا، سفیدپلت، سرخدار، گردوی جنگلی و انجیلی است.

جمعیت حوزه ۱۳ هزار و ۸۲۷ نفر در قالب ۲۶۵۰ خانوار و ۲۶ روستا می‌باشد. کشاورزی و دامداری

دو منبع مهم درآمد ساکنین است. نوغانداری و باغداری از دیگر منابع مکمل تامین معیشت هستند. مهمترین عوامل تهدیدکننده چشم‌انداز جنگلی و تنوع زیستی آن در این حوزه عبارتند از: تغییر کاربری اراضی، چرای بی‌رویه، حریق، تغییر اقلیم، خشکسالی، شکار، از بین رفتن یکپارچگی زیستگاه، ورود آلاینده‌ها به منابع آب، برداشت غیرمجاز از منابع آب، فرسایش خاک، رانش و لغزش زمین.

یادداشت :

یادداشت :